

ادامه از صفحه اول

«انگل»

نام فیلم مدنظر، «انگل» یا همان «parasite» است که در کشور کره جنوبی ساخته شده. این اثر قدرتمند می‌تواند با همراهی یک تیم تولید بومی، جوایز درجه اول مهم‌ترین رویداد سینمایی جهان را درو کند کاری که قبلا برای هیچ اثر غیر انگلیسی‌زبانی رخ نداده است؛ زیرا روش سنتی بر این قرار بوده که در جنب فیلم‌های اصلی، جایزه‌ای هم به یک فیلم غیر انگلیسی اعطا شود؛ اتفاق فرخنده‌ای که در سال‌های گذشته برای فیلم‌های اصغر فرهادی افتاد؛ اما اکنون فیلم انگل روایتی از خود به نمایش می‌گذارد که داروان آکادمی را چنان مجذوب خویش می‌کند تا رای و تصمیمی استثنائی برایش بگیرند و حسابی جادگانه برایش رقم بزنند. این اثر که در گونه کمدی سیاه جای می‌گیرد و با نویسندگی و کارگردانی بونگ جون-هو ساخته شده، در آکادمی اسکار برنده جوایز بهترین فیلم‌نامه، بهترین فیلم، بهترین فیلم بین‌المللی و بهترین کارگردان می‌شود. پیش از آن جشنواره هم با حضور در بخش اصلی جشنواره کن، نخل طلای جشنواره را تصاحب می‌کند، انگل برای نخستین‌بار در هفتادوهمتین مراسم گلدن گلوب هم می‌تواند جایزه بهترین فیلم غیر انگلیسی‌زبان را از آن خود کند.

مگر این اثر چه چیزی در جنته خود دارد؟ در پاسخ باید ادعان کرد که فیلم‌نامه کار بسیار عالمانه و فنی از آب درآمده و البته کارگردانی خوبی هم داشته. سخن اصلی این یادداشت هم به جوهره داستان و سیر روایت فیلم مربوط می‌شود که در مجموع به فرایند یک سلطه یا تصرف نرم می‌پردازد. خوشبختانه این اثر دوبله خوبی هم شده و می‌تواند قابل استفاده عموم مخاطبان بزرگ‌سال باشد. داستان این است که یک خانواده کره‌ای و کاملاً برخوردار و مرفه، در خانه‌ای بزرگ و پيچیده، زندگی می‌کنند. به نظر می‌رسد که توپ هم نمی‌تواند به شکلیات موروثی و الیگارشی آنها آسیبی وارد کند. خانوادگی با سیررستی پدري تکنوکرات که مدیریت بخشی از صنایع مدرن شهر را در دست دارد؛ اما این متخصص، در کمال ناباوری از حاکمیت تدریجی عده‌ای غافل می‌شود که آنها را در حدی نمی‌بیند که به آنها فکر کند. مادر خانواده به سبب معرفی و تبلیغ یک جوان، او را مناسب تدریس خصوصی به فرزند دخترش تلقی می‌کند. پیشنهاد جوان در گزینش معلم سرخانه برای فرزند دوم نیز نتیجه می‌دهد؛ درحالی‌که هیچ‌کدام‌شان صلاحیت علمی لازم برای تدریس را ندارند. به‌این‌ترتیب این خواهر و برادر با ترغدهایی موزیانه و به‌ظاهر مشفقانه، پدر و مادر را هم با تعویض راننده و آشپز وارد حرم خاندان می‌کنند. درحالی‌که حضورشان در اندازه و شان آن مکان نیست و حسن‌نیتی هم به اهل خانه ندارند؛ بلکه انگیزه پنهان آنها تصاحب عمارت به شکل خزنده است. در واقع بیننده در مسیر داستان، شاهد ورود یک‌به‌یک اعضای یک صف و یک رسته می‌شود که در سطح و اندازه اهالی خانه نیستند؛ طبقاتی کاملاً فروتن و محتاج که با سودای خودکامگی یا به آنجا می‌گذارند. البته در یک پیچ داستانی، نمایشی تلخ و نابرابر از اختلاف فاحش طبقاتی در مسیر روایت قرار می‌گیرد که در این بحث، مدنظر نیست. جان کلام در اینجا همان بخش نخست فیلم است که بیننده را ناخودگانه به یاد مشکلات کهنه‌ای می‌اندازد که در اخبار روزانه جهان، بارها شاهد آن بوده. این آشنایی می‌تواند برای مخاطبان بسیاری از اقالیم و کشورهای جهان هم رخ دهد؛ مشکلاتی بفرنج که براثر سیردن امور به دست آدم‌های نابلد پدید می‌آید. مهره‌هایی که نه به شایستگی؛ بلکه با توصیه، می‌زها را تصاحب می‌کنند و سرمایه و صنایع را به روز سیاه می‌نشانند. درحالی‌که می‌شد چنین اتفاقات ناخردانه‌ای هرگز نیفتد؛ زیرا حتی اگر کشوری در مسیر تعاملات جهانی قرار نگیرد، باز هم می‌تواند با کمک مدیریتی علمی و درون‌زا، فرجامی مبارک برای یک سرزمین رقم بزند. مدیریتی کارآمد که در برخی مدل‌های جهان‌سومی فقط به شعار توخالی آن بسنده می‌شود. به طور معمول، متخصصانی که دلسوز خانه و میهن هستند، به سبب برخورد تنگ‌نظرانه، مجبور هستند که در زاویه بمانند یا به شکلی ناامیدانه میهن‌شان را ترک گویند و در جای دیگری بهره‌رسانی کنند. تماشایی فیلم به یاد بیننده می‌آورد که می‌توان چراغ‌های تولید را بهتر از آنچه هست، به گردش درآورد و از سوی دیگر وضع ناخوشایند فرهنگ را به سامان رساند. فیلم نشان می‌دهد اگر آدم‌های به‌دردبخور خانه اخراج نشوند، امور منزل به وفق برادر پیش خواهد رفت. گاهی یک فیلم ایده‌های بلند و جذابی به مخاطبانش می‌دهد که می‌تواند برای او منشأ خیر و برکت باشد و با یک درک فکروانه، وزن اقتصاد و فرهنگ خویش را دریابد و آن را به سطحی ارتقا دهد که در میان همسایکان پیرامونش، زبان‌در فرهنگ و پیشرفت شود؛ پس چه خوش است که در این ظرفینه مقدرشده، از فرصت‌های خانگی، به‌خوبی بهره جست و در هر مطالعه کتاب‌های خواننده‌شد، وقتی هم برای تماشای آثار ارزشمند سینما و تاتر جهان اختصاص داد. آثاری که به لطف زیرنویس‌های مترجمان شریف و گمنام وطنی، می‌تواند برای هر خانواده جویای حقیقت، قابل درک باشد و در کنار تفریح و لذت‌بردن از ماجرای داستان، میزان آگاهی خود را با انتخاب یک فیلم خوب بالا ببرد.

شرق: دادگاه رسیدگی به اتهامات ۲۱ متهم به اخلا در نظام اقتصادی به ریاست قاضی موحد و به‌صورت علنی برگزار شد. این جلسه که حول‌محور معاملات غیرمجاز ارز برگزار شده بود، نمایانگر سوداگری در این بازار و فعالیت غیرقانونی ارزی در پشت‌پرده اشتغال صوری از سوی متهمان بود. نگاهی به اتهامات نشان می‌دهد فعالیت‌ها به‌صورت مخفیانه و عمدتاً در دفتر آسانسور صورت گرفته است.در این جلسه، علی باقری‌اصل نماینده دادستان به بیان محتویات پرونده، اقرار متهم و گردش حساب‌های بانکی آنها در سال‌های ۹۶ تا ۹۸ پرداخت و گفت: با بررسی محتویات پرونده و اظهارات و اقراریه متهمان مشخص شد که به معاملات غیرمجاز ارز و فردایی مشغول بودند، همچنین معاملات کاغذی ارز در شبکه‌های مجازی صورت گرفته است. باقری‌اصل در ارتباط با متهم فرزاد اصغرزاده تصریح کرد: نامبرده به‌صورت مخفیانه معاملات ارزی انجام داده است و روزانه ۵۰ هزار دلار معاملات غیرمجاز ارزی داشته است. متهم مهدی نصیری‌زاده حق کمیسیون به متهم تقی‌زاده به‌دلیل استفاده از دفتری وی پرداخت می‌کرده است. همچنین بر اساس محتویات پرونده متهمین سعی در احمای مدارک داشتند که موفق نمی‌شوند. وی افزود: متهم امیر سوقاتی متواری است و دلالت شناخته‌شده قاچاق ارز است که با همراهی مسعود جاویدان که متهم سابقه‌داری است معاملات غیرمجاز ارزی انجام می‌داده است. همچنین متهم ابراهیم جلالی روزانه بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار دلار معاملات غیرمجاز ارزی انجام داده است. نماینده دادستان گفت: متهم یاشار سلطانی‌زاده یکی از دلالتان کاغذی کار و فردایی کار است که محل فعالیت وی در مرکز قاچاق ارز چایخانه کوشک بوده و روزانه چهارهزار دلار معاملات کاغذی ارز به مدت هشت ماه به‌صورت

در جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۲۱ متهم به اخلا در نظام اقتصادی مطرح شد

کاسبی با ارزهای نیم‌سوخته

اسامی متهمان	اتهام
حسن خویی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به همراه متهمان مهدی ناظر‌دوست و یوسف غربیی به میزان ۱۰ میلیون و ۳۴ هزار و ۹۷۰ دلار، ۲۰ هزار دلار نیم‌سوخته و مقادیری از ارزهای پوئند، یوان، لیر، و بتای تایلند
یوسف غربیی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۹۰۰ هزار دلار به‌صورت فردایی و کاغذی به همراه متهمان حسن خویی و مهدی ناظر‌دوست
مهدی ناظری‌دوست	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به همراه متهمان حسن خویی و یوسف غربیی به میزان ۱۰ میلیون و ۳۴ هزار دلار و مقادیری از ارزهای پوئند، یوان، لیر و بات تایلند
حسین ایمانی‌زاد	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۳۶ هزار دلار در طول سه ماه به ازای هر هفته سه هزار دلار با همکاری حسین خویی و یوسف غربیی
رسول قنادی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز با متهمان آقای مهدی نصیری‌زاده و علی‌عبدالحسینی به میزان ۱۰۰ هزار و ۵۴۴ دلار آمریکا
مهدی نصیری‌زاده	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به‌صورت کاغذی و فردایی با همکاری متهمان رسول قنادی و علی‌عبدالحسینی به میزان ۱۰۰ هزار دلار
علی‌عبدالحسینی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز با همکاری رسول قنادی
علیرضا مقام‌آسا	
علی‌محمد غلامی	
ابیر اهییم جلالی	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان یک میلیون و ۵۰۰ هزار دلار
سیدجلیل حسینی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز با همکاری متهم امیر سوقاتی و مسعود جاویدان
مسعود جاویدان	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز با همکاری متهم سیدجلیل حسینی
محسن معظمی‌فرد	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۷۰۰ هزار دلار و شش میلیون لیر ترکیه
محمد اکبری	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۶ میلیون دلار
چنگیز تقی‌نیا	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز
مهدی شوهانی	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار
منوچهر روشنی	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۲۱ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار
فرزاد اصغرزاده	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور و خریدوفروش غیرمجاز ارز دایر بر مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۱۲ میلیون دلار با همکاری متهم حسین پیرهادی
حسین پیرهادی	دایر بر مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۱۲ میلیون دلار با همکاری متهم اصغرزاده
یاشار سلمان‌زاده	اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان ۶ میلیون و ۳۸ میلیون و ۸۲۵ هزار لیر ترکیه
امیر سوقاتی	مشارکت در اخلا در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده و حرفه‌ای ارز به میزان یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار با همکاری متهم سیدجلیل حسینی

تلفنی و از طریق کانال‌های غیرمجاز انجام داده است. وی افزود: متهم محمد اکبری معروف به محمد چینی یکی از دلالت شناخته‌شده بازار ارز است و در سال ۹۶ تا ۹۷ به‌صورت مخفیانه معاملات ارزی را انجام داده است. همچنین متهم منوچهر روشنی یکی از دلالت غیرمجاز ارز بوده که با داتقر قاچاق ارز ارتباط داشته است و معاملات را به‌صورت تلفنی و در فضای مجازی انجام داده است، بررسی دفاتر ثبت معاملات ارزی نشان می‌دهد متهم روشنی سه میلیون و ۴۸۰ هزار دلار معاملات غیرمجاز داشته است. متهم چنگیز تقی‌نیا هم یکی از دلالتان قاچاق غیرمجاز ارز بوده که سال گذشته شناسایی و به هفت ماه حبس محکوم شد اما پس از آزادی از زندان مخفیانه اقدام به معاملات غیرمجاز ارز در فضای مجازی کرد.
ماجرای ارزهای نیم‌سوخته از زبان متهم خویی
پس از آن، متهم حسن خویی برای بیان دفاعیات در جایگاه حاضر شد و در پاسخ به پرسش قاضی موحد در مورد ارزهای نیم‌سوخته مدعی شد: یکی از دوستانمان ارزهایش در منزل آتش می‌گیرد که مقدار آن حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار دلار بود، ما در آمریکا آشنایی داشتیم که گفت اگر بالای ۵۰ درصد ارزها سالم باشد می‌شود کاری کرد، اما در پرونده آمده ما را در حال سوزاندن دلاره‌ها دستگیر کردند. درحالی‌که ماجرای ارزهای نیم‌سوخته همان بود که توضیح دادم.قاضی موحد به استعلامات از سال ۹۶ تا ۹۸ اشاره می‌کند که نشان داده بیش از ۲۵۸ میلیارد و ۲۴۳ میلیون تومان گردش حساب این متهم بوده است، اما متهم خویی آن را رد می‌کند.
باین‌حال، نماینده دادستان اعلام می‌کند که از بانک و پلیس امنیت اقتصادی در این رابطه استعلام گرفته شده است. اما خویی تاکید می‌کند که عمده فعالیت او در رابطه با طلا آن‌هم در سال ۹۸ بوده است، جالب آنکه متهم خویی ادعا می‌کند که از

تارکش‌های خود نه‌تنها سودی نبرده که ضرر هم داده است. اما قاضی خطاب به او می‌گوید: زمانی که هرروز قیمت خودرو، ارز، طلا و دلار افزایش می‌یابد ادعای شما مبنی بر متضرر شدن موجه نیست.
تعمیرکار ماشینی که دلالت ارز شد
یوسف غربی، متهم ردیف دوم در جایگاه قرار گرفت و گفت: شغل من تعمیرگاه ماشین بود و بیش از یک سال نیز نمایشگاه ماشین داشتم. من نزدیک دو ماه با این افراد همکاری می‌کردم و روزانه دو تا سه هزار بسته ارزی تهیه می‌کردیم که یا از دلال می‌خریدیم یا از کانال‌های تلگرامی. او در حین پرسش و پاسخ، می‌پذیرد که اقدامش غیرقانونی است، اما در واکنش به سخنان مستشار دادگاه که گفته بود این متهم روزانه ۷۰ هزار دلار به‌صورت نقدی و کاغذی معامله داشته، مدعی می‌شود سود آن فقط ۹ میلیون تومان بوده است.

سوءاستفاده متهم ناظری از تغییر نام خانوادگی خود
در ادامه متهم مهدی ناظری‌دوست (خویی) در جایگاه قرار گرفت. او با اعلام اینکه به همراه برادر خود معامله طلا و سکه می‌کردند، مدعی می‌شود سودی حاصل از دلار به دست نمی‌آمد. قاضی خطاب به متهم گفت: شما از ابتدا حقیقت را نغفتید و کتمان کردید، همان‌گونه که نسبت‌تان با برادران را کتمان کردید. این ادعا درست نیست که شما سه میلیون تومان حقوق می‌فرتید؛ چراکه شما اختیار تام داشتید، اظهارات اولیه شما در پرونده موجود است و عنوان کرده‌اید روزانه معادل ۷۰ هزار دلار معامله می‌کردید اما حال می‌گویید این رقم معامله برای یک هفته بوده است.
فعالیت غیرمجاز ارزی در دفتر آسانسور
متهم مهدی نصیرزاده برای بیان دفاعیات در جایگاه حاضر شد. متهم نصیرزاده گفت: ما چهار دوست هستیم و ایفا می‌کردیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد ۴ روش برای مهار تعارض منافع در نظام سلامت

به فلان بیمارستان برو و سی‌تی‌اسکن انجام بده
مریض گمان می‌کند چون شخص بنده در آنجا کار می‌کنم برای منافع مالی خودم و آشنایانم او را به آنجا ارجاع می‌دهم. پس پزشک موظف است برای بیمارش شفاف کند که به چه دلیلی بیمار باید به فلان داروخانه یا بیمارستان مثلا خصوصی مراجعه کند. تا بیمار اطمینان پیدا کند که این پیشنهاد در جهت سلامت بیمار است نه منافع مالی پزشک. مردم اولین فرضشان این است که این پزشک با پزشک فلان بیمارستان یا فلان داروخانه زدوبند مالی دارد که البته در برخی موارد هم این مورد وجود دارد، اینجا جایی است که تعارض منافع اثری منفی روی کار پزشک می‌گذارد پس باید بتواند از پیشنهاد خود دفاع کند و برای مریض شفاف کند که علت این پیشنهاد چیست، عملکرد او وقتی قابل پذیرش است که علت پیشنهادش فقط ارتقای سلامت بیمار باشد نه چیز چیز دیگری.

۴ تعارض منافع در نظام تعیین تعرفه‌های درمانی تا چه اندازه نقش‌آفرین است؟

تعیین تعرفه‌های درمانی را افرادی انجام می‌دهند که تعداد زیادی از آنها در کار طبابت هستند. بنابراین به صورت بالقوه در وضعیت تعارض منافع هستند. اگر این افراد درباره رسته‌های خودشان تعرفه‌هایی بیش از آنچه باید باشد تعیین کنند، یعنی در وضعیت تعارض منافع دچار تخلف شده‌اند اما اگر مصارف مردم و جامعه پزشکی را در نظر بگیرند، مشکلی ندارد.

۴ این افراد درحالی‌که در بخش خصوصی فعال هستند، در سیاست‌گذاری عمومی هم نقش دارند، این طبیعتا ریسک است و احتمال فساد در آن بالاست.

قاعته باید نماینده‌ای که از جامعه پزشکان برای تعیین تعرفه حضور پیدا می‌کند، بتواند با ادله منطقی از نظراتش دفاع کند، در همه جای دنیا همین‌طور است. وقتی قرار است تعرفه صنفی تعریف شود، نمی‌شود خود آن افراد را کنار گذاشت بلکه باید به آن افراد هم حق دفاع از جایگاه خودشان را داد اما اینکه این افراد به دنبال منافع رشته خودشان باشند، تعارض منافی است که به خطا تبدیل شده؛ مثلا شخصی که جراح است سعی دارد فقط تعرفه امور جراحی را بالا ببرد.

ادامه در صفحه ۵

اقتصاد

در جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۲۱ متهم به اخلا در نظام اقتصادی مطرح شد

شرق

ایجاد تورم در کشور به دلیل دخالت دستوری در قیمت خودرو



● **شرق**: قیمت‌ها در بازار خودرو دست‌خوش تغییر شده است. حدود ۱۲ درصد بر نرخ خودروها اضافه شده و فرید زاوه، کارشناس خودرو، می‌گوید که این افزایش نرخ، به دلیل تورم بوده و انتظار می‌رفت که بعد از رکود مطلق بازار شاهد رشد قیمت خودرو باشیم. او که طرفدار حذف قیمت‌گذاری دستوری خودرو و آزادشدن واردات است، به «شرق» عنوان می‌کند: دخالت دستوری در کارخانه‌های خودروسازی مستقلا باعث تورم در کشور شده است. این شرکت‌ها منابع بانکی را دیگر پس نمی‌دهند و افزایش سرمایه از محل نقدی نمی‌کنند. چون بانک‌ها هم می‌دانند که خودروسازان نمی‌توانند بدهی‌های خود را پس بدهند، از محل اضافه‌برداشت بانک مرکزی به خودروسازان پول می‌دهند و به‌این‌ترتیب خلق نقدینگی مجهول در کشور اتفاق می‌افتد.

فرید زاوه در گفت‌وگو با «شرق» افزایش قیمت‌ها در بازار خودرو را ناشی از نرخ تورم می‌داند. او می‌گوید: قیمت کارخانه هر تغییری پیدا کند، بازار متناسب با تورم تغییر می‌کند. به خطا کرونا از اسفند تاکنون تقریبا بازار در رکود مطلق بود. ۴۰ درصد تورم داریم و انتظار افزایش ۱۲درصدی قیمت خودرو پس از شیوع کرونا یک انتظار طبیعی است.

به گفته این کارشناس خودرو، او در ماه اسفند هر پیش‌بینی کرده بود که نرخ خودرو بعد از کرونا افزایش می‌یابد و شاهد یک جهش قیمت خواهیم بود. جهش قیمت به این دلیل است که نرخ تورم جمع شده و یکجا بیرون می‌زند. اگر کرونا نداشتیم و بازار رکود نداشت، نرخ خودرو به‌تدریج بالا می‌آمد.

او اضافه می‌کند: افزایش قیمت خودرو در کارخانه اقدام درستی است. این شیوه مدیریت مالی‌که وزارت صمت به دست گرفته است، خودش عامل تورم است. با سرکوب قیمت نمی‌توانید با تورم مبارزه کنید؛ بلکه با سیاست پولی می‌توان با تورم مبارزه کرد؛ یعنی باید افزایش قیمت‌ها را شاور کنید؛ ولی انضباط مالی در دولت ایجاد شود.

زاوه معتقد است که باید قیمت خودرو را آزاد کنند؛ اما باید مراقب بود که به مردم اجحاف نشود. در نتیجه باید واردات، تولید و همه‌چیز مرتبط با خودرو آزاد شود. او تاکید می‌کند: نباید پراید در کارخانه ۳۰ میلیون تومان قیمت داشته باشد و در بازار ۲۰۰ تا ۸۰ میلیون تومان قیمت بخورد. اگر خودروسازان محصول خود را به قیمت ۸۰ میلیون تومان بفروشند، دست‌کم می‌توانند بدهی بانکی خود را تسویه کرده و تورم در کشور ایجاد نکنند.

او یادآور می‌شود: درحال‌حاضر قیمت پراید ۳۲ میلیون تومان در کارخانه است و آن ۴۰ میلیون‌تومانی که خریدار خوش‌شانس پراید نداده است، در قالب تورم از جیب ۸۳ تا ۸۴ میلیون نفر ایرانی در بهای گوشت، مرغ و سکن پرداخت می‌شود. بنده به‌عنوان یک ایرانی مطلقا راضی نیستم که یک فردی بپراید ۴۰ میلیون تومان ارزان‌تر بخرد؛ ولی من هر کیلوگرم گوشت را ۴۰ هزار تومان گران‌تر خریداری کنم.

این کارشناس خودرو اضافه می‌کند: سال گذشته شرکت‌های خودروسازی ۵۷ هزار میلیارد تومان ضرر کرده‌اند. این رقم اگر به جمعیت ایران تقسیم شود، سهم هر ایرانی از این ضرر استخراج خواهد شد.

او بر این باور است که نرخ خودرو در کارخانه رابطه‌ای مستقل و خطی با قیمت‌های بازار دارد و نرخ‌ها در فضای بیرون کارخانه متناسب با قدرت خرید مردم. تعداد عرضه و سیاست‌های پولی تعیین می‌شود.

به گفته زاوه از موقعی که گفتند قیمت کارخانه را دستوری کنید، قیمت کارخانه همیشه پایین‌تر از قیمت بازار بوده است. دخالت دستوری در کارخانه‌های خودروسازی، مستقلا باعث تورم در کشور می‌شود. این شرکت‌ها منابع بانکی را دیگر پس نمی‌دهند و افزایش سرمایه از محل نقدی نمی‌کنند. مشابه کاری که اسفند کردند.

او اضافه می‌کند: آنها تورم را در صورت‌های مالی خود وارد می‌کنند. شرکتی که رسما ورشکسته است و کفایت سرمایه ندارد، می‌آید با حساب‌سازی، صاحب کفایت سرمایه می‌شود. چنین شرکتی بدهی‌هایش را نمی‌تواند پس بدهد و به‌هکار است. چون بانک‌ها هم می‌دانند که اینها نمی‌توانند بدهی خود را پس بدهند، آنها از محل اضافه‌برداشت بانک مرکزی پول به شرکت‌های خودروسازی می‌دهند. در نتیجه نقدینگی‌ای را که وجود ندارد، به این شرکت‌ها می‌دهند و خلق نقدینگی مجهول اتفاق می‌افتد.